

رفتار مسلمانان

با کتابخانه های ملل مغلوب

از بررسیهای گذشته روشن گردید، که ادعای بعضی از نویسندگان که: کتابخانه های مصر و ایران بدست مسلمانان عرب، ناپود گردید، کاملاً بی اساس است. حق آنست که قرنهای قبل از اسلام قسمت اعظم این کتابها از بین رفته بود و دیگر آنقدر کتاب و کتابخانه در اسکندریه و مدائن نمانده بود تا مسلمانان آنها را بین حمامهای شهر برای سوخت تقسیم کنند و یا اینکه آنها را به آب بریزند. خوبست این مطلب را از زبان دانشمندان و محققان منصف بشنویم:

«نهر و» رهبرند در این باره می نویسد: «بطوریکه نقل میکنند عربها کتابخانه معروف اسکندریه را در مصر آتش زدند؛ اکنون این داستان جعلی بشمار میرود. عربها بیش از آن کتاب را دوست میداشتند که بچنین رفتار وحشیانه می پیردازند. ممکن است که «تئودوسیوس» امپراتور قسطنطنیه مسئول نابودی این کتابها یا لااقل قسمتی از آن باشد، يك قسمت این کتابخانه سابقاً هنگام جنگ و حمله «ژولیوس سزار» سردار معروف رومی از میان رفته بود. «تئودوسیوس» امپراتور قسطنطنیه هم که مسیحی متعصبی شده بود کتابهای غیر مسیحی یونانیان را که درباره اساطیر و افسانه های مذهبی خدایان قدیمی یونان بود دوست نمی داشت زیرا خیلی به مسیحیت پای بند بود. گفته می شود که او این کتابها را بعنوان سوخت حمامها بکار میبرد.» (۱)

«گوستاولوبون» دانشمند معروف فرانسوی درباره کتابخانه اسکندریه می نویسد: «راجع بسوزاندن کتابخانه اسکندریه که مسلمانان را بآن متهم کرده اند همینقدر می نویسیم که چنین رفتار وحشیانه بقدری، مخالف با وضع و عادات

(۱) نگاهی بتاریخ جهان: جواهر لعل نهرو ج ۱ ص ۳۲۳-۳۲۴

این فاتحین اسلامی است که واقعاً جای بسی تعجب می باشد که يك همچو افسانه مهمل چگونه در این مدت متمادی شهرت خود باقی مانده و آنرا تلقی بقبول نموده اند ولی در عصر حاضر بطلان این عقیده بدرجه ای ثابت و محقق شده که دیگر محتاج به تحقیق و بررسی زائدی نیست. این مطلب بطور کلی معلوم گردیده است که قبل از اسلام خود مسیحیان همانطوریکه همه معابد و خدایان اسکندریه را منهدم نمودند کتابخانه مزبور را هم بر باد دادند و در زمان مسلمین چیزی نمانده بود تا آنرا بسوزانند» (۱)

« دکتر ماکس میرهوف » دانشمند و شرق شناس انگلیسی درباره مراکز علمی ایران چنین می نویسد: «... در دوره ساسانیان مراکز بزرگی برای تحصیل علم نجوم و کیمیا در قسمتهای شرقی و شمالی ایران تأسیس گردید. هنگامیکه عربها بر شمال آفریقا و قسمت غربی آسیا تسلط یافتند مراکز علمی ایران و روم شرقی را دست نزده گذاشتند و « چندیشاپور » مرکز علمی امپراطوری اسلامی گردید.» (۲)

و همچنین یکی از دانشمندان شرق شناس بنام « کارل بروکلیمان » (۳) می گوید: «... در زمان سلطنت ساسانیان واسطه انتقال معارف یونان با امپراطوری سربانیان بودند. تقریباً در سال ۵۵۰ میلادی خسرو انوشیروان در چندیشاپور، دانشگاهی برای تعقیب مطالعات و تحقیقات فلسفی و طبیی تأسیس نمود و این دستگاه علمی یونانی و سربانی حتی در عهد عباسیان نیز دوام یافت و رونقی بسزا داشت.» (۴)

بالاخره از نظر محققان، موضوع آتش سوزی کتابخانه اسکندریه و نابود شدن کتابخانه های ایران بوسیله عربهای مسلمان، کاملاً نادرست است.

گناه این تهمت بگردن جرجی زیدان است

آنچه بیشتر نویسندگان تاریخ ایران در عصر ما، از مسلمات تاریخ ایران دانسته اند، جریان نابودی کتابخانه های ایران بوسیله عربهای مسلمان است و این مطلب در کتابهای زیادی که به عناوین مختلف درباره ایران نوشته شده، بطور کلی، بمنوان يك حقیقت تاریخی

(۱) تاریخ تمدن اسلام و عرب: گوستاولوبون ص ۲۶۳

(۲) «PH.D.M.D.» میراث اسلام: بقلم ۱۳ نفر از مستشرقین و اساتید دانشگاههای

انگلستان ص ۱۰۳.

Carl Brockelmann (۳)

(۴) تاریخ ادبی ایران ج ۱ ص ۴۵۵ ادوارد براون.

را بدست مسلمانان در صدر اسلام، آفریدو عبداللطیف بقدادی گمنام را وادار کرد که بدون استناد به قول مورخان اسلامی و مسیحی قدیم که درباره فتح مصر کتاب نوشته اند این داستان تلقی شده است (۱) و حتی در نظر بعضیها این مطلب بقدری مسلم است که خود را در این باره بی نیاز از اقامه دلیل می دانند و بعضی دیگر نسبت این جریان را به مسلمانان داده ولی دلیل آنرا بکتبهای دیگر حواله داده اند. و برخی که دیگر خواسته اند بگفتار خود رنگ تحقیق و تتبع بدهند، همان روایت تاریخی را از ابن خلدون نقل کرده (۲) و سپس به ادله ای که «جرجی زیدان» در باب کتابخانه اسکندریه اقامه کرده است، اشاره کرده اند.

پس در این صورت تنها دلیل کسانی که نسبت نابودی کتابخانه های ایران را به عربهای مسلمان داده اند، همان دلائل و شواهدی است که «جرجی زیدان» درباره کتابخانه اسکندریه در تأیید نظریه خود بیان نموده است و نویسندگان تاریخ ایران، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از کتاب «تاریخ تمدن اسلامی» او گرفته اند.

بنابراین با ثابت شدن بی پایگی ادله ای که جرجی زیدان در اینجا اقامه کرده است، درست روشن می شود تمام کتب بیهائیکه نسبت نابودی کتابخانه های ایران را با عرب مسلمان داده اند در این مورد اساس و مدرک درستی ندارند.

با کمال اطمینان می توان گفت: سخنان «جرجی زیدان» مورخ معروف مسیحی، در این باره ناشی از حقیقت گوئی و مبنی بر صفای باطن او نیست. او در مرحله نخست جریان را طوری وانمود کرده است که اگر کسی بدون تحقیق و بررسی به نوشته او نظر کند، گمان می کند تحقیقات او ناشی از حقیقت جوئی او است. جرجی زیدان در مرحله نخست خود را منکر این قضیه قلمداد کرده و اعتراف کرده است که من اول از جمله کسانی بودم که نسبت سوزانیدن کتابخانه اسکندریه را به مسلمانان عرب خالی از حقیقت میدانستم و در کتابی که در آن

- (۱) برای نمونه از چند کتاب در اینجا نام می بریم: ۱- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین ص ۳۷۵-۳۷۶-۲- تاریخ فرهنگ ایران، دکتر عیسی صدیق ص ۸۷-۸۹- (۳) تاریخ اجتماعی ایران: مرتضی راوندی ج ۲ ص ۴۱-۴۰- فرهنگ ایرانی: دکتر محمدی ص ۱۹-۲۴- ۵- کتاب مزدیسنا. محمد معین ص ۹-۱۱-۶- ادبیات مزدیسنا - دیباچه ج ۱ ص ۳- ص ۲۰ ج ۲ ص ۱۹- پورداود در نوشته های خود این تهمت را با يك سلسله تهمت های نا جوان مردانه دیگر، به مسلمانان زده است ۷- جلال همائی: بنا بنقل تاریخ اجتماعی ایران ج ۲ ص ۴۱- ۸- دانشهای ایرانی در عهد ساسانیان، يك سلسله مقالات از علی سامی، در جرائد -

(۲) مقدمه ابن خلدون ص ۴۸۰ چاپ مصر.

هنگام بنام «تاریخ المصر الحدیث» نوشته‌ام، این نظریه را منعکس نموده‌ام ولی سپس طی مطالعات بعدی خود درباره تاریخ تمدن اسلام، بدلائلی برخوردارم که در نتیجه صحت این نسبت و حقیقت بودن آنرا ترجیح دادم. (۱)

انسان در آغاز کار خیال میکند واقعا این مورخ در ضمن مطالعات خود به ادله محکمی برخورد کرده است بطوریکه حتی از نظریه‌اش نیز برگشته است. هر گاه نظریه خود را بدون ارائه دلیل نقل میکرد، انسان روی حسن ظنی که معمولا بمورخین دارد نظریه او را بی-گفتگو می‌پذیرفت. ولی از روی دلائلیکه «جرجی زیدان» در این باره بدست داده است، می‌توان ارزش علمی و تاریخی گفتار او را بدست آورد.

چطور شده جرجی زیدان با آن همه دقت، خود را با این ادله مست و ضعیف قانع کرده است؟ اینجاست که باید گفت: جرجی زیدان مانند بعضی از نویسندگان متعصب دیگر در اینجا اصل «بیطرفی» را که شرط اول تحقیق است، مراعات نکرده و از جاده انصاف و حقیقت دور شده است.

پوششی بر جنایت مسیحیان :

علت شیوع این افسانه مشهور را می‌توان گفت: سازگار بودن آن با پرده پوشی و بروحی-گری خود مسیحیان است، زیرا از نظر تاریخ این مطلب مسلم است که قبل از اسلام خود مسیحیان تمام معابد اسکندریه را منهدم نمودند و کتابخانه مزبور را هم بیاد دادند. زمانیکه دیانت مسیح مذهب رسمی مملکت گردید «تئودوز» امپراطور مسیحی فرمان داد تمام معابد و کتابخانه‌های بت پرستان را با خاک یکسان نمودند. (۲) و نویسندگان مسیحی برای اینکه سرپوشی بر جنایات خود بگذارند، این افسانه را نشر دادند و اعراب مسلمان را با آن متهم کردند.

آری مسیحیان؛ چون در طول تاریخ دست بر جنایات ننگینی زده‌اند و کتابخانه‌های مهمی را نابود کرده‌اند لذا برای پرده پوشی این جنایات چاره‌ای نداشتند جز اینکه چنین افسانه‌هایی را خلق کنند. همانطوریکه یکی از محققان معاصر بعد از آنکه از کتابخانه بزرگ آل عمار شیعی در طرابلس نام میبرد، می‌نویسد: «این کتابخانه پس از ورود صلیب‌بیان متعصب و جاهل اروپا بدانجا، با آتش کشیده شد و یک میلیون و سیصد هزار کتاب خطی موجود در آن با آتش سوخت.

حادثه‌ای که برای پرده پوشی آن پس از یکصد سال، موضوع سوختن کتابخانه اسکندریه

(۱) تاریخ التمدن الاسلامی ج ۳ ص ۴۵

(۲) تاریخ تمدن ویلدورانت ج ۱۱ ص ۱۰۹ - تاریخ تمدن اسلام و عرب: گوستا لوبون

ص ۲۶۳ - نگاهی بتاریخ جهان ص ۳۲۴.

را بیافریند و بواسطه تازگی، مطلوب دیگران قرار بگیرد و از راه کتاب تاریخ ابن عبری عیسوی در اروپا مطلوب قرار گیرد و بر حادثه حقیقی سوختن کتابخانه آل عمار شیعی در طرابلس حجاب جعل و کذب سوختن کتابخانه اسکندریه را بیفکند. « (۱)

آیا مسلمانان پرستشگاههای ملل مغلوب را ویران کردند؟

جرجی زیدان، از جمله دلائلی که راجع به کتاب سوزی مسلمانان آورده، اینست که پیروان هردین وقتی به پیروان آئین دیگری دست می‌یافتند، پرستشگاههای آنان را ویران و کتابهای آنان را نابود میکردند، جرجی زیدان با این دلیل خواسته است ثابت کند که مسلمانان هم مانند سایر ملل؛ پرستشگاههای ملل مغلوب را ویران ساختند و کتابهای آنان را از بین بردند.

بطور مسلم، این مورخ مسیحی، یاد درست منطق اسلام را درک نکرده و یا نظر خاصی داشته است. و ظاهراً رفتار مسلمانان را نیز بر رفتار همکیشان مسیحی خود قیاس کرده و سخنی دراز حقیقت و انصاف گفته است. بطور کلی، روش اسلام در «جهاد» اینست: از آنجائیکه شرک و بت پرستی سرچشمه تمام بدبختیهاست و مشرکان و بت پرستان منکر اساسی ترین قانون اسلام «یکتاپرستی» می‌باشند، لذا اسلام سعی میکند تا ریشه این مرض خطرناک از جامعه بشری کنده شود بدینجهت بابت و بت پرستی شدیداً بمبارزه پرداخته است ولی در خصوص اهل کتاب «یهود، نصاری، مجوس» روشی، غیر از این اتخاذ کرده است، چون اهل کتاب خداشناس میباشند، حکومت اسلامی با آنها کاری ندارد بلکه جان و مال و آئین و معابد آنها از طرف اسلام محترم شناخته شده است.

همچنانکه خود اهل کتاب بایک سلسله شرائطی که در کتابهای فقهی بیان شده است، از نظر حکومت اسلامی محترم می‌باشند، همچنین معابد و پرستشگاههای آنان نیز بر سمیت شناخته شده است و هیچ مسلمانی حق ندارد در صورتیکه اهل کتاب بشرائط ذمه عمل نمایند بمعابد و کتابهای آنها اهانتی بکند. بلکه اسلام خود طرفدار عبادتگاههاست چنانکه در قرآن مجید میخوانیم: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ السَّامِعَاتُ وَبِيعَ صَوَابُهَا وَصَلَوَاتُهَا وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...» (۲)

(۱) هزاره طوسی ج ۱ ص ۱۰۰-۱۰۱ از گفتار استاد محیط طباطبائی.

(۲) سوره حج آیه ۳۱

«اگر خداوند جلو شو و تجاوز دسته‌های از مردم را با دسته دیگر نمی‌گرفت ، بی تردید صومعه‌ها و کنیسه‌ها و مراسم نماز و مسجدها که نام خدا در آنها زیاد برده میشود ، بویرانی کشیده میشود.»

این از نظر دستورات و تعالیم عالیه اسلام (۱) اما از نظر رفتار مسلمین ، در طول تاریخ در هیچ کجا دیده نشده است که مسلمانان ، در این باره بر خلاف آئین خود رفتار کرده ، پرستشگاههای پیروان ادیان دیگر را ویران کنند بلکه از نظر تاریخ مسلم است که نسبت بمعابد و کلیساها و صومعه‌ها و کتابهای آسمانی ارزش خاصی قائل بودند. (۲)

(۱) شرائط اهل ذمه در کتب فقهی مشروحاً بیان شده است.
 (۲) به کتاب فتوح البلدان للبلاذری ص ۶۰-۶۹-۷۷-۱۲۱-۱۳۰-۲۶۶-۲۶۷- و به کتاب سراج الملوك ۲۸۳-۲۸۶ و به تاریخ التمدن الاسلامی جرجی زیدان. جزء اول، مراجعه شود.

بقیه از صفحه ۳۵

« ای مردم برای شما مثلی زده شده ، بدان گوش فرادهید ا
 آن کسانی که سواى خدا را میخوانند ، هر چند دست بدست هم دهند هرگز نمیتوانند مکسى را خلق کنند و اگر مکس چیزی از آنها برآید ، نمیتوانند آنرا بازستانند . طالب و مطلوب هر دو ناتوانند ، (۱)
 راستی جز خدا و آفریدگار جهان هستی ، چه کسی میتواند این همه پدیده‌های شکفت . انگیز جهان آفرینش را بوجود آورد و این حشره بظاهر خردناتوان را که دارای يك جهان اسرارویزه کاریهای دقیق و اعجاب آور است بیافریند ا

(۱) یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا له ، وان یسلبهم الذباب شیئا لا یستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب .
 سوره حج آیه ۲۳.